



رئیس دولت یا دولت رئیسی

حدود هشت ماه از پیروزی «دولت مردمی» دکتر رئیسی می‌گذرد و در این مدت برخی اتفاقات که با علیه دولت، به فراوانی و سرعت پیش آمد که در دولتهای سابق به دلایل مختلف، و به ویژه با توجه به شرایط دولتها‌ها پیش نیامد و یا به صورت محدودتری، شبیهت دشمنان چیز جدید و عجیبی نیست ولی نکته مشکوک اینست که چرا پس از اتمام دولت قبلی، نوع مشکلات کشور به بیکاره تغییر می‌کند و این اساساً مشکلات بوجود آمده از تباطی یا دولت قبلی دارد؟ سؤالی که حسن روحانی از رئیس‌جمهور فرانسه در شوک انصراف از حمله به ایران با روی کار آمدن دولت اعتدال گفته بود، جقدر قابل تعمیم است؟ مناشه کنوهرای شمالغرب ایران یا بی‌ای زاینده‌رود چرا در ماه دوم و سوم دولت جدید دهن باز می‌کند؟ زربیندلی معلم‌ها کی و توسط چه کسی معطل شد و چرا دامن دولت نوپا را می‌گیرد؟ مسایل صغنی سایر کارکنان… و بسیاری سؤال دیگر که شاید فهمیدن پاسخ عمده آنها سخت‌نماند.

پیش از این دولتی که باید آنرا دولت امید واقعی نامید، مردم گرفتار گروھی بودند که بیش از اقدامانسان، زخم زبانشان مردم را می‌آزرد و به جای کار کردن، تحقیر و توهین و تمسخر می‌کردند، برکنشان جاسوس‌ها و نفوذی‌ها بود، مردم از هرچه آزرد می‌شدند آنها به آن خ می‌کردند و از هرچه گریزان می‌شدند آنها به آن آزرد می‌شدند. مردم از دروغ فوری ریزش و ششوربیخفته گفته می‌شد. اینها کار خودشان بود را با «باید باید» از دیگران مطالبه می‌کردند، به غیر از جعل واقعات، تاریخ را هم تحریف می‌کردند، اگر پرسیده شود ماحصل و نتیجه حکومت شدت سادگی اعتدالیون اصلاح‌طلب بود، بی‌شک گفته می‌شود بی‌شک، مردم و چون همانست که رئیس بانک مرکزی دولت روحانی آنرا «تقریباً هیچ» نامید و چون عقلانه پیش نرفته بود، امیریکای پس از اطمینان از عطف دولت برای نگهداری آن به هرهیئت، بکلفه خرج شد و شد خسارت مضح.

قصد این وحیزه یادآوری خاطرات تلخ آن دوران نیست که خدای نخواستہ مردم آزردہ شوند ولی برای گفتن از مطالب مهم،آیند که می‌گفته شد را مرور کنیم. اینکه گفته شد اگر جبهه تحریف شکست بخورد جبهه تحریم هم شکست خواهد خورد، سخن کلیدی است. همین امسال بود که گفته شد واکسن، سوهان که نمی‌تستیم بزنه زیاد باشد یا اگر FATF اتمام نشود چه می‌شود… ولی همه دیدیم که این گروه نبود و نیستیم، توییچ در دولت قبلی به جای آنکه در منافع مردم دفاع شود، گریه بود و دنبال آبروی بی‌گفتن از مطالب مهم،آیند که می‌گفته شد را مرور دشمن در اقدامانسان دیده و از کلامشان بوی اجنبی استشمام می‌شد. مردم تهدید و قمع‌رؤسای آمریکا را لاف در غربی می‌داشتند و باور نمی‌کردند ولی وقتی وزیر خارجه وقت در بین دانشجویان جوان از یال و کوبایل دشمن آفسائراسرای می‌کرد، چه می‌توان گفت؟

امثال این نمونه‌ها بسیار است که تذکر می‌آورد و ناراحت می‌کند. در جریان انتقاباتی، نمایندگان طیف دولت وقت، گاهی به راحتی آب خوردن تقلب و فریب می‌کردند، مدرک دکتری موجود که با یک جستجوی ساده در اینترنت و یا پیگیری بیشتر در دانشسگاه قابل دسترسی است را نادیده گرفته و یک دروغ، یک PHD را مشخص و کلاه کشاکش خطاب کرده، این دروغ و نهمت و بی‌ای گدایی شرایط تأسیسات حاکم بر کشور بود که تنها از یک خرافه خبر برمی‌مست. تکرار نموده که برخی در ششعب و حوزه‌ها و کارکنسکی در جریان انتخابات و مطبعت‌های کودکانه در داخل کشور و در خارج از کشور نیز جریان نفاق و ضدانقلاب، به مانند خیانت‌ها کنند و هزینه کردند تا با فحش و تهنک و تهدید نگذارند مردم در انتخابات شرکت کنند و حضور مردم را بشکنند و از تغییری که مورد خواست مردم بود، جلوگیری کنند. در نهایت مردم و پیشکنند و دولت منصفی دولت منتخب خود را که در قامت دکتر رئیسی می‌دیدند و نیز مردم و در قدرت نشستن و در جاگاه خدمت نشاندن و توقعاتشان از بود و هستس که وزرا و مدیران کل و جزء این دولت نیز مثل رئیس‌جمهور رئیسی، مؤمن، جهادی، شجاع و سخنگی ناپذیر باشند و در یک کلام، یک دولت رئیسی از دکتر رئیسی خواستند نه اینکه ایشان تنها رئیس دولتی باشند که وزرا و مدیرانش از سنج او تابشاند.

طبق تجربه، زگورددار جابه‌جایی مدیران و تغییر در این تغییر، هنوز متعلق به دولتهای اصلاحات و اعتدال است که گاهی از سبب به عنوان «حق دولت» نامیده می‌کردند و گفتند مبنای این حق و استحقاق از آنجا آورده شده و چرا با جابه‌جایی رئیس دولت تا بالای تا پایین مدیران یا باید تغییر کنند و یا در صورت استثناء، طبق میل آحاد شهائدتان بگویند تا شاید بمیانند؟ گفته شد چرا باید یک سال کار از وقت چهار ساله دولت وقت تغییر مدیریت به عنوان کشور، مردم متوقف آن باشد؟ از چرا ملک سفارش شدگی، هم جزئی بودن و یا فعالیت در سناد انتخاباتی باید جای نگاه کرد؟ و پیش از کار آمدن رئیس مدیران را بگردانند؟ این خرجه معیوب و کی بوجود آمدنش که به فعالیت در سستانت انتخاباتی کشور، مردم سکوی پر تاب و افتاء مدیریتی و کسب امتیاز نگرسته شد و عرصه‌های تکلیفی و وظیفه، به شکل طعمه در آمد؟ چرا کسی به حرف‌های این امر غرضه تم نگوید، مثل نغود اش در همه دولتها ثابتند و به همه زبانهای مزوری استاندند توجیه نمی‌کند؟

دولت سیزدهم از آفت مدیران اتوبوسی و عزل و نصبهای قلهای مبراست و تاکنون آنچه نشان داده می‌شود متانت و اعتماد به نفسی است که دولت از متان مسلط به امور نشان داده می‌شود تا آنجا که به هم افکار و افراد معتقد به اسلام و انقلاب اسلامی کار کند و از خنومات آنان مردم و کشور را بهره‌مند کند. این شیوه مدیریتی اگر بر این مبنا باشد، آرزوی دیرین مردم ایران است که اکنون معقق شده و پیش می‌رود. نگاهی که می‌تواند اثرگذار از خارج‌های سالوسی سیاسی و طمع مردم را و بازگاری و فریب‌کاری ببیند، کمک بزند و در صورت موفقیت به کاسی بگیرد. علاوی این می‌تواند با تشکیل بانک اطلاعاتی قوی کارآمد و حرفه‌ای از مدیران توانمند با هر فکر و رفتاری، ریز غلط و بهره‌زینه قبلی را به مسیر صحیح و بازگرداند و اینها را به نفع و نفع مردم انجام کارحرفه‌ای میبویزند که سندسرو و پژوهشوری، آزادگانی، بیچه‌های سستاد، تعارض منافع، و وقتی حاصل می‌شود که توف و شایسته گزینی کنار شود.

دولت دکتر رئیسی اگر چنین قصد و رویکرد از قبل تعریف شده و عدامدانه‌ای دارد جای بسی خوشبختی و امیدواری است و ان‌شاءالله که در این کار موفقیت حاصل شود ولی اگر این تحول رخ ندهد، سنی نگرانی مردم را باید حرمست شاید این نحوه مدیریت از نظر حرفه‌ای مطلوب باشد، و وقار و متانت بسیار دولت و هیئت تصمیم‌گیر را برساند ولی آقائی دارد که مگر زنجارباید از آن غافل شد و این دست کم گرفت. طیف قبلی چنان مردم را به گریه بسته بودند که یادآوری خنده‌ها و تکیه‌کلام‌ها، کلامی این زمان هم آرامش را به هم می‌زند و اکنون حق دارند نگران باشند و تسریع و جدیت در جابه‌جایی آنها که در وجود آنان وضع مورد قبول بوداند، را مطالبه کنند. کندی جابه‌جایی‌ها اگر از روی برنامه نباشد، بی‌شک آفت است و بی‌اشفاقان آقا، عمر دولت که سریع تر از عمر آدم‌های می‌گذرد منتظر استغاره و استعزاز و استعلایهای استولیک مدت عام می‌ماند. میبویزند مردم نگذاشتیم و یک پنجم عمر دولت سیزدهم گذشت و مگر این مابقی تو دربابی.

گاهی شنیده می‌شود که اگر دولت روحانی به دور سوم برسد، حتماً تغییرات در دولت مومش پیش از تغییرات دولت فعلی بود و این خیلی بد است. مردم منتظر دیدن دولتی هستند که صدر تا ذیل آن همگی رنگ و بوی رئیسی، سید محرومان را داشته باشد نه من و محام کسانی که اندازه یک مجامع گذاشتن و در حرف درشت به قبلی‌ها زدن و ابراز ارادت دروغین، خودی می‌شوند و به یک میز و میزبان یا ایقاع مدیریت خود طمع می‌کنند، نگارنده معنی است اگر در کنار موتور بوقیان دولت که کارهای شگفت و شگرفی در این مدت کوتاه انجام داده است، موتور قدرتمند و مطمئن در کشتف و استعدادهای رصد کارنامه مدیران فعلی، فعال بود و دستاوردهای دولت دکتر رئیسی پیش از اکنون در کشور و در امور امیدوارانتر به کمک دولت می‌شستافتند. اینکه جدای از صحت و سقمش، گفته شود یکی از بزرگ‌رابعد از همت، همتا با مدیران قبلی جلسهای نگذاشته و سخنی از ماندن و رفتنشان نگفته و آنها را معزل بزمین زمین نگارنده داشته، هرگز پذیرفتنی نیست. این سخن دکتر رئیسی بسیار صحیح و متین است که «سهیبان وضع موجود نباید بمانند» ولی چه کسی این نباید را باید اجرائی کند؟ مبادا چیزی از مدیران قبلی یا بدست می‌زنند و یا پیش بزنند و در خفا برای ماندن، به هر کسی که می‌شناسند متوسل به شفاعت ششوند و در میان مردم بی‌میلی نشان دهند و از بی‌زنگامی دولت بگویند؟ این همه نعل بر مردم را، البته از حق نباید گذشت که برخی وزرا و نگانهای خودی در این زمینه دانشسگاه که اتفاقاً بیشتر از دیگران هم مورد جبهه بوده‌اند، مردم مور مراب امام علی علیه‌السلام در چنین مواقعی بنگارن راهگشاست که حرفی ماقی نمی‌گذارد. برچون امام علی یا یکی از عوامل حکومتی که در جمش در روزگار ما به آنأفسه، حسن قلمداد می‌شود چنان قطع و براست که هر مؤمنی را در آثارگامی تاریخ از تاریخی کرد امام، می‌توان ستان.

و… را از انتهای تاریخ در معرض دید مقاومت مردم قرار دهد برخورد ما با کسانی که اعتماد مردم را به بیغما برزند و نظام را با ناتوانی خود، ناچار آمدن نشاند دادند و دست‌های آلوده و سیگمان وابسته به دشمن دارند و در هر فتنه‌ای ردی از خود نگذاشته‌اند و نه تخصص پرهانی دارند و نه تعهدی به ند و کشور دارند چگونه باید باشد؟ درست است که مسئولان ارشدمان که در کنار موتور در مردم می‌رود می‌گردند جای کسانی را گرفتارند که با کشش روزی فرش مردم زلزله‌زده رفتند ولی این تواضع بیشه‌اند از استان‌ها می‌شوند؟ دوره آنها که مجعاه سدای تار خود را می‌سختینند و بعد از چند سال از عمر دولت که مردم به آن «Suspension» می‌شود و… گذشت، باید فکری برای امروز کرد که مردم به شما و قلائبون، امید بسته‌اند. والی‌ها نباید نشوند، ان‌شاءالله.

محمدصادی صحرائی

سروس سیاسی-

واکنش عصبی طیف مدعی اصلاحات به اظهارات فسادستیزانه **وزیر کار** در کنار **آمار نگران‌کننده فسادهای اقتصادی و ناکارآمدی مدیران سابق** که حتی در حال حاضر **همچنان به رویه سابق خود ادامه می‌دهند، ضرورت تغییر و تحول سریع و گاه بنیادین را در دستگاه‌های اجرایی می‌طلبد.**

با روی کار آمدن هر دولتی، با توجه به نوع گفتمان و نگاه سیاسی حاکم بر دولتمردان آن، تغییر و تحولات در بدنه مدیران دولت تا جایی‌که حرکت پیوسته دولتی را دچار اختلال نکند، امری طبیعی است. این موضوع در دولت سیزدهم مستثنی نشده است چرا که برهمانها سیاست‌های دولتمردان در صورتی تحقق پیدا می‌کند که مدیران ارشد و مانیان دولت با آن همراه باشند و در جهت تحقق آن حرکت کنند.

در حالی که اکنون سا روی کار آمدن دولت فعلی، باید تا تغییر مدیران خودمه و ناکارآمد و انتخاب نادره از نفس، جوان و انقلابی نشاط فعالیت و خمرستراسی در سراسر استان به چشم بخورد، همچنان عده کثیری از مدیران سابق که ناچار آمدیشان در تمام دوران گذشته آشکار بوده بر کرسی مسئولیت نشسته‌اند.

این در حالی است که آمار بالای آنکه از مدیران ناکارآمد یا منفعل و تنها سندی بزرگ هستند یا در جهت عکس فعالیت دارند و دستگاه‌ها فقط باید مدام آنها را رصد کند که حاصلش کثرت فسادهای اقتصادی مشخص است، نیاز به یک خانه تکانی مدیریتی دارد.

تغییر مدیران نالایق و رانت‌خوار

مطالبه مردمی
شنبه نهم بهمن‌ماه در گزارش‌های حسین ریاضی‌نوشته؛ اگرچه مدیریت بزرگ کشور لازم در حوزه انتخابت افراد باعث شده که نتواند در دولت با کندی صورت گیرد اما تاخیر بیش از حد در تغییر مدیران خسته و ناکارآمد دولت قبل برپویه در اختیار مدیران، وعده‌های رئیس‌جمهور در رفع مشکلات اقتصادی مردم را با احتیاط مواجه کرده است.

در این گزارش همچنین به مطالبه رئیس‌جمهور مبنی بر تسریع در روند تغییر مدیریت ناکارآمد دولت قبلی اشاره کرده و نوشته؛ به باور رئیس‌جمهور انتصابات کند است و مبان مشکلات موجود، به‌خصوص مشکلات اقتصادی زودتر باید از دولت او کنار گذاشته شوند. بنابین مشکلات موجود اشاره به مدیری پیر، خسته، ناکارآمد و بی‌انگیزه دولت دوازدهم است.

امسری که نشان می‌دهد ضرورت تغییر مدیران خسته، ناکارآمد، بی‌انگیزه و در عین حال نجومی بگیر، ورتزود و اشرافی دولت قبل چه پیش از انتخابات و چه پس از آن از مدغدغه‌های مهم رئیس‌جمهور برای تحقق اهداف و سیاست‌های دولت خود به نفع مردم بوده و از سوی دیگر بارها به عنوان یکی از درخواست‌های اصلی مردم، امامان جمعه و دلسوزان نظام از دولت مطرح شده است.

جرای امور بدبخیم ناکارآمدی از بدنه مدیریت اجرایی

البته طبیعی است که چنین رویکردی حتماً به مذاق طیف مدعی

اصلاح‌طلبی با همان حامیان دولت قبل خوش نخواهد آمد و با همه، تخریب و فضاسازی رسانه‌ای سعی در توقف یا ایجاد اختلال در روند آن خواهد کرد، اما قطعاً اعضای دولت و وزرای کابینه دولت انقلابی معروب و مغلوب چنین فشار‌های‌ها نخواهند شد و با جدید انتظار مردم درباره تغییر بدنه ناکارآمد باقی مانده از دولت روحانی را برآورده خواهد کرد.

موضوعی که در جریان اظهارات و اقدام فسادستیزانه حجت‌الله دیاملکی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی مبنی بر ارسال ۱۲۰ پرونده از فساد مدیران دولت قبل به مراجع قضایی و همچنین در صورت جدی در برکناری سدها مدیر نامرز آمد از این وزارتخانه نشان داد. او را مورد جرم قرار دادند.

این مسأله‌های که در بازتاب این مسأله‌ها و واکنش‌هایی که به این معنای ۳۵۰ ماده‌ای که در ۵ معیار «فقرایی بودن، کارآمدی، سدت پاک بودن، فسادستیزی و مردمی بودن» مغایرت داشته و خبر برکناری قریب‌الوقوع ۵۰ مدیر دیگر از این مدیران حکایت از درست بودن مطالبه مردم و رئیس‌جمهور درباره تسریع در برکناری بنابین مشکلات اقتصادی کشور دارد.

وزیر کار چه گفته بود؟

حجت‌الله دیاملکی وزیر کار در روزهای گذشته در گفت‌وگویی گفته بود: «من‌شاءتاً ضمن احترام به عزیزانی که در گذشته در این وزارتخانه مدیریت کردند و مدیران مسئولیت‌گام و فاعلی در این‌ساز وزارتخانه بوده و هستند و نتواندان هم که با یک نیت، اما با نوع نگاهی به مجموعه‌های اقتصادی ریزجمله وزیرانخانه در سنوات گذشته حاکم بوده‌اند، لزوماً مبتنی بر صرفه و صلاح باشند، بی‌مسئله‌گانه، بی‌مسئله‌گانه و بدون‌مسئله‌گانه و در انتصاب‌ها به وفور انتصاب‌های سیاسی و براساس فشارهای خاص و انتصاب مبتنی بر انباشت گریبی – مثلا جریان رسانه‌ای – هراه شوند، دیده می‌شود.»

وی در ادامه تصریح کرده بود: «هر روزهای اول که در وزارتخانه مستقر شدم لیست‌هایی از طرف نهادهای امنیتی از افراد بی‌ربطی که در چارچوب زد و بندهای سیاسی منصوب شده‌اند، برام ارسال شد تا به آنها رسیدگی کنم؛ مثلاً فردی که به‌دلیل سابقه فریب‌خواری و با مدرک تحصیلی بی‌سابقه در صنعت بزرگ شده است البته نمی‌خواهم این موارد را برم‌سپر»
وزیر کار در ادامه به پرداختن قبلی نااعتراف در میسان مدیران دولت قبلی اشاره کرد و تأکید کرده بود: «در مرحله اول بررسی‌ها، برادرتی‌ها در فیش‌ها براساس قواعد و چارچوب‌ها بود و حقوق نااعتراف نبود اما بررسی‌های بعدی نشان داد که بخش زیادی از برادرتی‌ها، از اوجوهی خراج از بخش حقوقی و از طریق سسکه و کارت هدیه بود، به‌عنوان مثال حدود قری ۲۰۰ میلیون تومان بود اما از کارت هدیه ۵۰ میلیون تومان در حد ماه ۷۰ میلیون تومان پول حقوق می‌گرفت.»

دیاملکی در بخش دیگری از اظهارات خود گفته بود: «شخصی شد که یکی از مجموعه‌ها درخواست خرید یک هواز و ۲۰۰ قطعه سسکه را می‌گرفت.»

توافق سریع و به هر قیمت یا پرهیز از تکرار عبرت برجام!

روزنامه حامی برجام در گذشته، بی‌شک به خسارت‌های آن روند نامتوازن اشاره کند، نوشت: تصمیمات مهم ملی را نباید به تاخیر انداخت و باید به همان سببای دولت سابق توافق کرد!

روزنامه جمهوری‌اسلامی در سرمقاله خود نوشت: تصمیمات مهم ملی را باید در بهترین زمان گرفت. به تأخیر انداختن و در بدترین زمان ممکن تصمیم گرفتن که متأسفانه به بخشی از روش‌های مدیریتی ما تبدیل شده، زبان‌های زرگی به کشور و مردم می‌زند.

در بعضی موارد، به‌دلیل محاسبیات نادرست از تصمیم‌گیری به موقع بازمی‌مانیم که در مواردی هم دچار مشکلاتی از قبیل رقابت‌های سیاسی هستیم و دفاع افراد را بر منافع ملی ترجیح می‌دهیم. اینها همه فضاهای استولیک هستند و آقاع فراد را باید در لایه‌ای بالاتر از این قبیل محاسبیات جست‌وجو کرد و منافع ملی را باید اصل و محور تصمیم‌گیری‌ها قرار داد.

این روزنامه می‌افزاید: انتظار منطقی این است که مباحثی اجبای برجام که مذاکراتش اکنون در وین جریان دارد، دچار رسوبات زمانی نشود و هرچه زودتر به نتیجه منطقی برسد.

کمالاً روشن است که هیئت جدید ایرانی مذاکره‌کننده چیزی بیش از آنچه میبست قبلی به دست آورده بود را نمی‌تواند به دست بیاورد و اطلاعات موجود هم همین واقعیت را نشان می‌دهند. این احتمال، به تأخیر انداختن و در جانب ایران باشد، چه از طرف قبلی، و چه طرف ندادر، ادامه در برجام به نفع آمریکا هم نیست، زیرا منطقه خاورمیانه در شرایط ویژه‌ای قرار دارد که ادامه تنش را نمی‌تواند تحمل کند و بی‌تابی در این منطقه پیش از همه بر ضرر آمریکاست.

طرف ایرانی هرچند با کنار گذاشتن هیأت مذاکره‌کننده قبلی عناصر توانمندی از دست داده ولی هم‌اکنون نیز در شرایط مساعدی است. از آنجمله فراد و به نتیجه ا کوتاه نمایان این درست است که آمریکا هم به توافق برای اجبای برجام نیازمند است ولی نباید تصور شود این نیاز، بیکطرفه است. انکار تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد کشورمان که متأسفانه افرادی تلاش می‌کنند آن را به ابزاری برای سوداگری‌های سیاسی و اقتصادی خود قرار دهند، مشکلی را نخواهد کرد. سخن این نیست که عامل دیگری در مشکلات اقتصادی ما دخالت نادر، ولی سهم قابل ملاحظه تحریم‌ها را در آن نباید نادیده گرفت. برخلاف نظر کسانسین سیاسی و اقتصادی تحریم، ما می‌توانیم در مذاکرات برجامی به توافقی دست یابیم که منافع کشور و مردم حفظ شود و به هیچک از اصول و ارزش‌هایمان نیز کمترین خدشه‌ای وارد نشود. ما باید این واقعیت را بدپذیریم که تصمیمات ملی را باید در بدترین زمان ممول گرفت. حکم صادر کردن در قالب این تحلیل برای توافق سریع‌تر و به سببای دولت سابق، در حالی است که نوسونده از طرف ایران برای جزیای باز دولت‌ها و ابواما و ترابم رفت و دولت بایدن هم خود یک سال گذشته حاضر نشد به تعهدات خود بازگردد؟ چه چیزی به ۳ دولت آمریکا اجازه داد که برجام هرطور خواستند، معامله کنند و اجزای آن و سپس کلیت برجام را زیر پا بگذارند؟! اگر در تنظیم برجام بسر دولت روحانی و تیم مذاکره‌کننده آن کلاه رفته، که واقعیت هم همین است، چگونه نوسنده تحلیل مذکور، نقطه ضعف بزرگ آن تیم و دولت را نقطه قوت نامود می‌کند و مجدداً – بدون گرفتن تصمیم‌های کافی – خواستار سرهم‌بندی یک توافق جدید و دادن اجازه بازگشت آمریکا به برجام (دستری به مکاتیبم ماشه) می‌شود؟ نکته جانب این است که به هنگام مذاکره برجام نیز طیف بزرگ‌کننده «توافق» که قیمت‌ها را آمریکا، خواستار حبله، توافق هرچه سریع‌تر بودند اما وقتی کلاه‌برداری‌های آمریکا در رفتن برجام و افزایش تدریجی تحریم‌ها آغاز شد، تا پایمال کار کامل می‌رسد، دولت آنها چه توجیهی برای سرهم‌بندی کارهای آمریکانداشتنند.

داده است که به سرعت با آن مجموعه برخورد کردیم و مدیر مربوطه تعویض شد و یک بازرسی قوی در مجموعه‌ها صورت گرفت.»

وی تأکید کرد: «تنها در یک لیست از سوی نهاد امنیتی، حدود ۱۰۰ نفر که جزء فعالان رسانه‌ای و تویتری بودند در واحدهای اقتصادی و صنایع در سطح عضو هیئت مدیره و مدیرعامل مشغول به کار بودند، همچنین انتصاب‌های مسئولانه حقوقی و فامیلی را داشتیم و به‌عنوان مثال محکومان دستگاه قضایی و سا کارمند سازمان‌های خارجی و با افرادی که وابسته به کارنامه کاری در دارند در سمتی که هستند مشرمن‌تر واقع شوند.»

واکنش مدیران اصلاحات به اظهارات فسادستیز وزیر کار چه بود؟!

این اظهارات وزیر کار و واکنش‌ت طیف مدعی اصلاح‌طلبی را برانگیخت و روز دوشنبه روزنامه‌های اصلاح‌طلب مانند سازندگی و اعتماد و همچنین سایت‌های خبری منتسب به این جریان در اقدامی تغییر در بدنه مدیریتی دولت به‌خصوص مدیرانی که با ناکارآمدی و سستی در وظایف مربوطه سپهم مؤثری در به وجود آوردن شرایط فعلی کشور داشتند و به تبعیسی از بنابین وجود موجد کشورشور هستند، می‌تواند به پاشنه آشیل دولت سیزدهم تبدیل شود. بر این اساس سایر وزرای کابینه دولت سیزدهم نیز باید بدون نگرانی از فضاسازی رسانه‌ای بنابین مشکلات امروز، مسیر درست بزرکناری مدیران نالایق و رانت‌خوار را همچون وزیر کار با جدیت بیشتری دنبال کنند.

همچنین روزنامه‌های اصلاح‌طلب در مطالبی به عنوان «سزل‌کنی مدیریتی» نوشت: «ظواهرات جدید حجت‌الله دیاملکی درباره برکناری دست‌کم هزار نفر از کارکنان وزارت کار و امور اجتماعی یادآور دو تئوسیه حساب بزرگ در نظام اداری ایران در سال‌های ابتدای انقلاب است.»

همچنین روزنامه‌های اصلاح‌طلب در مطالبی به عنوان «سزل‌کنی مدیریتی» نوشت: «دیاملکی به محض حضور در ساختمان خیابان آزادی، اقدام به تسویه حساب مدیرانی کرد که توانسته بودند سوددهی شرکت‌های ریزجمله این سازمان را در رشد شاخص ۱۲۰ درصدی به وزیران ۳۰ درصدی واگذارند. در این ۳۰ درصدی رهنمون سازند. در حالی است که برخی مجموعه‌های اقتصادی این وزارت عریض و طویل حتی با رشد بیش از ۱۲۰ درصدی نیز مواجه شده بود.»

این روزنامه اصلاح‌طلب در ادامه نوشت: «تهدید اخراج بیش از نیمی از مدیران یک ساختار تخصصی و جایگزینی آنها با نیروهایی که به جز وابستگی سیاسی و انتحاباتی، فاقد هرگونه تخصص لازم هستند، کشور را در بخش‌هایی چون، منهدوق‌های بازنشستگی، بازار کسبوکار، کاهش سود شرکت‌های بزرگ اقتصادی، طی سال‌های آینده با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌کند که خروج از آن شاید به این سادگی ممکن نباشد.»

عصابت‌های جریان حامی دولت سابق با همه‌ی فسادهای اصلاح‌طلبی از برکناری بنابین مشکلات موجود در حالی است که این طیف سیاسی که اکثریت مطلق دولت روحانی را در اختیار داشتند و از طرفی کارنامه فضاخیزان دولت قبلی در کاهش ارزش پول ملی، افزایش حفظ مأموریت‌ارضی و استقلال کشور جزو مأموریت ذاتی ارتش جمهوری اسلامی است.

فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری‌اسلامی ایران با بیان اینکه در رکاب ولی امر مسلمین تصریح کرد: ارتش در تمام عرصه‌های اجتماعی با مردم همدردی و همراهی می‌کند و در حوادث مختلف از جمله سیل و زلزله به کمک مردم شفاعت است و در حادثه سیل نیز قبل از سست و بحران برای کمک به مردم در

هرچه اهداف تحریم‌ها ساده‌تر باشد، شانس بیشتری برای کارآمدی دارند اما داده‌ها حاکی از این است که تاریخ هم نشان‌دهنده ناامدی تحریم‌هاست. چیزی که درخون روجه بوده، این است که کارایی محدود تحریم‌ها هیچ اثری بر دفعات استفاده از آن نداشته است. برعکس، تحریم‌ها در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ نسبت به دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۵ دو برابر شده و این رقم در دهه ۲۰۱۰ نیز باز دیگر دو برابر شده است.

یادآور می‌شود در آخرین دور مذاکرات سابق، نه تکلیف لغو مؤثر تحریم‌ها به ششگی که ایران نتواند به صورت مؤثر و پایدار متغیع شود، معلوم شده بود، نه راستی آزمایشی زمان‌بر لغو تحریم‌ها مورد تأیید طرف غربی و آمریکایی قرار داشت (دعای راستی آزمایشی ۴۸ ساعته را مطرح می‌کردند) و نه این ارائه تضمین درباره عدم تکرار عهدشکنی برجامی تعیین تکلیف حل و فصل درست و هوشمندانه این بنابرین اکنون باید از بیم مذاکره‌کننده صل و فصل درست و هوشمندانه این مسأله را مطالبه کرد و نه مطالبه سرهم‌بندی یک توافق خسارت‌بار مثل برجام که به راحتی قابل نقض و زدن و زیر پا گذاشتن حقوق ایران باشد.

شرق: تحریم‌های آمریکا به ضد خود تبدیل شده است

روزنامه سوپرغربگرای «شرق» ادعان کرد: سیاست تحریم‌های آمریکا، بی‌اثر و به ضد خود تبدیل شده است.

در حالی که طیف غرب‌گرایان، تحریم‌های آمریکا را غرب را پنهانه برای اصرار بر تسلیم شدن قرار داده‌اند، روزنامه شرق در گزارشی مربوط به تحولات جهانی نوشت: آمریکا به سیاست تحریم‌های بی‌اثر خود ادامه می‌دهد اما این سیاست به ضد خود تبدیل شده است.

سیاست استفاده از تحریم به عنوان یک سلاح اقتصادی، تجسم قدرت جهانی امروز ایالات متحده است. اکنون از این اهرم فشار علیه دولت‌هایی در سراسر جهان استفاده می‌شود: از کره شمالی و ویتنولا تا ایران و بلاروس. به ندرت می‌توان جهانی در حوز تحریم‌های خارجی را برپا کرد که در آن سیاست‌گذاران ایالات متحده به تحریم متوسل نشوند.

همین حالا هم دولت خود جویبد و متحدان اروپایی‌اش سعی دارند با تهدید به تحریم وادامیز پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه را از حمله به اوکراین باز دارند. این روزها تصور دنیای سیاستی که در آن آمریکا از اهرم فشار استفاده تم‌کنند، سخت است اما همیشه این طور نبوده است. در اوایل قرن بیستم آمریکا با داشتن از تحریم استفاده کند، در حالی که اروپایی‌ها مشتاق استفاده از این سلاح اقتصادی بودند؛ امروز اما ورق برگشته است. در حالی که آمریکا‌ها از اذیت از تحریم‌ها استفاده می‌کنند، اروپا اغلب برای بیوستن به این تحریم‌ها تمایلی نشان نمی‌دهد. اتحادیه اروپا تلاش می‌کند تا تجارت خود با ایران حفظت کند و تلاوم بافکلیفی آلمان درباره آینده حوط لهه نورداستریم ۲ (و جود تهدیدهای اقتصادی آشکار آمریکا علیه روسیه) ششگانه جدید، اختلاف انترافل آمریکایی اروپایی درباره تحریم‌هاست. تئاریت جاسمیکر تحریم‌ها، به جمله بر تاریخ نظام بین‌الملل در قرن بیستم قابل انکار نیست. اما واقعیت این است که انگازاری آنها به عنوان ابزاری برای دستسختی به تغییرات سیاسی محدود بوده است. همین ترتیب، یعنی تأثیرات منفی گسترده در کنار انگازاری‌های محدود سیاسی است که امروز جاش‌رنگیز شده است. هرچا که تحریم ظاهر شد، به جای فراهم کردن شرایط برای حل منازعه یا حداقل نزدیک شدن شرایط به حل منازعه، آن را در بن‌بستی برهنه کرده است.

توانایی واکنشتن در تحمیل هزینه‌های سنگین بر دولت‌های رقیب با دستاوردهایش در تغییر رفتار آنها تناسب ندارد. که البته جای تعجب هم ندارد. تحمیل درباره تحریم‌های اعمال شده در قرن بیستم نشان می‌دهد که هدف تنها یکی از سه تخریبات نام هم‌حادث، بر موفقیت‌آمیز بودن این اقدام است که تقریباً نادر است.

اخبار کشور

برکناری مردمی وزیر کار

اصلاح‌طلبی با همان حامیان دولت قبل خوش نخواهد آمد و با همه، تخریب و فضاسازی رسانه‌ای سعی در توقف یا ایجاد اختلال در روند آن خواهد کرد، اما قطعاً اعضای دولت و وزرای کابینه دولت انقلابی معروب و مغلوب چنین فشار‌های‌ها نخواهند شد و با جدید انتظار مردم درباره تغییر بدنه ناکارآمد باقی مانده از دولت روحانی را برآورده خواهد کرد.

موضوعی که در جریان اظهارات و اقدام فسادستیزانه حجت‌الله دیاملکی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی مبنی بر ارسال ۱۲۰ پرونده از فساد مدیران دولت قبل به مراجع قضایی و همچنین در صورت جدی در برکناری سدها مدیر نامرز آمد از این وزارتخانه نشان داد. او را مورد جرم قرار دادند.

واکنش مدیران اصلاحات به اظهارات فسادستیز وزیر کار چه بود؟!

این اظهارات وزیر کار و واکنش‌ت طیف مدعی اصلاح‌طلبی را برانگیخت و روز دوشنبه روزنامه‌های اصلاح‌طلب مانند سازندگی و اعتماد و همچنین سایت‌های خبری منتسب به این جریان در اقدامی تغییر در بدنه مدیریتی دولت به‌خصوص مدیرانی که با ناکارآمدی و سستی در وظایف مربوطه سپهم مؤثری در به وجود آوردن شرایط فعلی کشور داشتند و به تبعیسی از بنابین وجود موجد کشورشور هستند، می‌تواند به پاشنه آشیل دولت سیزدهم تبدیل شود. بر این اساس سایر وزرای کابینه دولت سیزدهم نیز باید بدون نگرانی از فضاسازی رسانه‌ای بنابین مشکلات امروز، مسیر درست بزرکناری مدیران نالایق و رانت‌خوار را همچون وزیر کار با جدیت بیشتری دنبال کنند.

همچنین روزنامه‌های اصلاح‌طلب در مطالبی به عنوان «سزل‌کنی مدیریتی» نوشت: «ظواهرات جدید حجت‌الله دیاملکی درباره برکناری دست‌کم هزار نفر از کارکنان وزارت کار و امور اجتماعی یادآور دو تئوسیه حساب بزرگ در نظام اداری ایران در سال‌های ابتدای انقلاب است.»

همچنین روزنامه‌های اصلاح‌طلب در مطالبی به عنوان «سزل‌کنی مدیریتی» نوشت: «دیاملکی به محض حضور در ساختمان خیابان آزادی، اقدام به تسویه حساب مدیرانی کرد که توانسته بودند سوددهی شرکت‌های ریزجمله این سازمان را در رشد شاخص ۱۲۰ درصدی به وزیران ۳۰ درصدی واگذارند. در این ۳۰ درصدی رهنمون سازند. در حالی است که برخی مجموعه‌های اقتصادی این وزارت عریض و طویل حتی با رشد بیش از ۱۲۰ درصدی نیز مواجه شده بود.»

این روزنامه اصلاح‌طلب در ادامه نوشت: «تهدید اخراج بیش از نیمی از مدیران یک ساختار تخصصی و جایگزینی آنها با نیروهایی که به جز وابستگی سیاسی و انتحاباتی، فاقد هرگونه تخصص لازم هستند، کشور را در بخش‌هایی چون، منهدوق‌های بازنشستگی، بازار کسبوکار، کاهش سود شرکت‌های بزرگ اقتصادی، طی سال‌های آینده با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌کند که خروج از آن شاید به این سادگی ممکن نباشد.»

عصابت‌های جریان حامی دولت سابق با همه‌ی فسادهای اصلاح‌طلبی از برکناری بنابین مشکلات موجود در حالی است که این طیف سیاسی که اکثریت مطلق دولت روحانی را در اختیار داشتند و از طرفی کارنامه فضاخیزان دولت قبلی در کاهش ارزش پول ملی، افزایش حفظ مأموریت‌ارضی و استقلال کشور جزو مأموریت ذاتی ارتش جمهوری اسلامی است.

فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری‌اسلامی ایران با بیان اینکه در رکاب ولی امر مسلمین تصریح کرد: ارتش در تمام عرصه‌های اجتماعی با مردم همدردی و همراهی می‌کند و در حوادث مختلف از جمله سیل و زلزله به کمک مردم شفاعت است و در حادثه سیل نیز قبل از سست و بحران برای کمک به مردم در هرچه اهداف تحریم‌ها ساده‌تر باشد، شانس بیشتری برای کارآمدی دارند اما داده‌ها حاکی از این است که تاریخ هم نشان‌دهنده ناامدی تحریم‌هاست. چیزی که درخون روجه بوده، این است که کارایی محدود تحریم‌ها هیچ اثری بر دفعات استفاده از آن نداشته است. برعکس، تحریم‌ها در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ نسبت به دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۵ دو برابر شده و این رقم در دهه ۲۰۱۰ نیز باز دیگر دو برابر شده است.

یادآور می‌شود در آخرین دور مذاکرات سابق، نه تکلیف لغو مؤثر تحریم‌ها به ششگی که ایران نتواند به صورت مؤثر و پایدار متغیع شود، معلوم شده بود، نه راستی آزمایشی زمان‌بر لغو تحریم‌ها مورد تأیید طرف غربی و آمریکایی قرار داشت (دعای راستی آزمایشی ۴۸ ساعته را مطرح می‌کردند) و نه این ارائه تضمین درباره عدم تکرار عهدشکنی برجامی تعیین تکلیف حل و فصل درست و هوشمندانه این بنابرین اکنون باید از بیم مذاکره‌کننده صل و فصل درست و هوشمندانه این مسأله را مطالبه کرد و نه مطالبه سرهم‌بندی یک توافق خسارت‌بار مثل برجام که به راحتی قابل نقض و زدن و زیر پا گذاشتن حقوق ایران باشد.

شرق: تحریم‌های آمریکا به ضد خود تبدیل شده است

روزنامه سوپرغربگرای «شرق» ادعان کرد: سیاست تحریم‌های آمریکا، بی‌اثر و به ضد خود تبدیل شده است.

در حالی که طیف غرب‌گرایان، تحریم‌های آمریکا را غرب را پنهانه برای اصرار بر تسلیم شدن قرار داده‌اند، روزنامه شرق در گزارشی مربوط به تحولات جهانی نوشت: آمریکا به سیاست تحریم‌های بی‌اثر خود ادامه می‌دهد اما این سیاست به ضد خود تبدیل شده است.

سیاست استفاده از تحریم به عنوان یک سلاح اقتصادی، تجسم قدرت جهانی امروز ایالات متحده است. اکنون از این اهرم فشار علیه دولت‌هایی در سراسر جهان استفاده می‌شود: از کره شمالی و ویتنولا تا ایران و بلاروس. به ندرت می‌توان جهانی در حوز تحریم‌های خارجی را برپا کرد که در آن سیاست‌گذاران ایالات متحده به تحریم متوسل نشوند.

همین حالا هم دولت خود جویبد و متحدان اروپایی‌اش سعی دارند با تهدید به تحریم وادامیز پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه را از حمله به اوکراین باز دارند. این روزها تصور دنیای سیاستی که در آن آمریکا از اهرم فشار استفاده تم‌کنند، سخت است اما همیشه این طور نبوده است. در اوایل قرن بیستم آمریکا با داشتن از تحریم استفاده کند، در حالی که اروپایی‌ها مشتاق استفاده از این سلاح اقتصادی بودند؛ امروز اما ورق برگشته است. در حالی که آمریکا‌ها از اذیت از تحریم‌ها استفاده می‌کنند، اروپا اغلب برای بیوستن به این تحریم‌ها تمایلی نشان نمی‌دهد. اتحادیه اروپا تلاش می‌کند تا تجارت خود با ایران حفظت کند و تلاوم بافکلیفی آلمان درباره آینده حوط لهه نورداستریم ۲ (و جود تهدیدهای اقتصادی آشکار آمریکا علیه روسیه) ششگانه جدید، اختلاف انترافل آمریکایی اروپایی درباره تحریم‌هاست. تئاریت جاسمیکر تحریم‌ها، به جمله بر تاریخ نظام بین‌الملل در قرن بیستم قابل انکار نیست. اما واقعیت این است که انگازاری آنها به عنوان ابزاری برای دستسختی به تغییرات سیاسی محدود بوده است. همین ترتیب، یعنی تأثیرات منفی گسترده در کنار انگازاری‌های محدود سیاسی است که امروز جاش‌رنگیز شده است. هرچا که تحریم ظاهر شد، به جای فراهم کردن شرایط برای حل منازعه یا حداقل نزدیک شدن شرایط به حل منازعه، آن را در بن‌بستی برهنه کرده است.

توانایی واکنشتن در تحمیل هزینه‌های سنگین بر دولت‌های رقیب با دستاوردهایش در تغییر رفتار آنها تناسب ندارد. که البته جای تعجب هم ندارد. تحمیل درباره تحریم‌های اعمال شده در قرن بیستم نشان می‌دهد که هدف تنها یکی از سه تخریبات نام هم‌حادث، بر موفقیت‌آمیز بودن این اقدام است که تقریباً نادر است.

به جای گفت و شنود